



یک مقام امنیتی ادعای وال استریت ژورنال درباره هشدار اطلاعاتی امریکا به ایران را تکذیب کرد

سفیدشویی ناموفق



تصویری از حمله تروریستی داعش در کرمان

در برابر حمله طوفانی حماس در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد و شکست همه‌جانبه تل‌آویو بویژه در حوزه‌های اطلاعاتی و امنیتی را در معرض دید جهانیان قرار داد. این در حالی است که ایالات متحده به عنوان نزدیک‌ترین همپیمان اسرائیل همچون رهبران این رژیم با وقوع حمله حماس با غافلگیری بزرگ روبه‌رو شد و خسارات هنگفتی را بابت جنگی که کمترین اطلاعی درباره نحوه آغاز و طراحان آن نداشت، متقبل شد. بنابراین در چنین شرایطی ادعای اطلاعاتی که امریکایی‌ها در کنار تحولات نظامی غزه در چهارچوب عملیات روانی معنادار می‌شود که امریکایی‌ها در کنار تحولات نظامی غزه در روند ضدیت با جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌کنند.

اینکه امریکا خود در حالی که در چهارچوب محور مشترک همکاری با تل‌آویو به تجهیز و حمایت از گروه‌های تروریستی علیه بازیگران اثرگذار منطقه بویژه جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد اما ادعا می‌کند که آن را نسبت به طراحی چنین عملیات‌هایی آگاه کرده است، چیزی جز فریب در زمین بازی رسانه‌های تبلیغاتی نیست. چه‌آنکه امریکا در پی گسترده شدن ابعاد جنگ و در حالی که پایگاه‌های نظامی‌اش در کشورهای عراق و سوریه در معرض حملات بی‌امان گروه‌های مقاومت قرار گرفته است،

برای پیشگیری از جان باختن افراد بی‌گناه آن را در اختیار کشورهای دیگری می‌گذارد. به ادعای منابع وال استریت ژورنال، این هشدار محرمانه از آنجا به تهران مخاره شد که ایالات متحده اطلاعاتی به دست آورده بود که گروه وابسته به داعش خراسان در حال برنامه‌ریزی برای حمله به ایران است. این ادعای پس از آن مطرح شده است که دونالد ترامپ در ماه ۱۳ دی ۱۴۰۲ در مسیر منتهی به گلزار شهدای کرمان به شهادت ۹۵ نفر و مجروح شدن ۲۸۴ نفر انجامید. گروه تروریستی داعش بلافاصله در بیانیه‌ای مسئولیت این حمله را بر عهده گرفت و حالا یک رسانه امریکایی مدعی است که دولت جوبایدن نسبت به وقوع این عملیات، اطلاعاتی داشته و در اختیار ایران قرار داده است؛ ادعایی که یک مقام امنیتی جمهوری اسلامی در گفت‌وگو با ایرنا یاد و نام‌برد: «گر بپایم امنیتی از سوی امریکارد و بدل شده باشد، باهدف در امان ماندن واشنگتن از ضرب شست ایران، خصوصاً پس از جنگ اسرائیل در غزه بوده است».

غافلگیری در جنگ غزه

ادعای جدید رسانه‌های امریکایی را نباید فراموش کرد؛ در منطقه خاورمیانه و در روند جنگ فرسایشی تل‌آویو در غزه در حال روی دادن است؛ جنگی که در پی یکی از بزرگ‌ترین غافلگیری‌های تاریخی رژیم صهیونیستی و امریکا

وزیر امور خارجه در جلسه شورای امنیت:

به جای دعوت دیگران به خویشنداری تل‌آویورا متوقف کنید



امیرعبداللهیان در نشست شورای امنیت

بمنی‌ها سلاح‌های زیادی از زمان سقوط علی عبدالله صالح در اختیار دارند. یمن امکانات و توانمندی‌های زیادی را در درون خودش دارد، ملل برای توقف جنایات صهیونیست‌ها در غزه شد. کوترش هم بر لزوم توقف جنگ و ارسال کمک‌های بشردوستانه به غزه، تشکیل یک دولت مستقل برای فلسطینی‌ها و در تعیین سرنوشت توسط آنان تأکید کرد و در پاسخ به درخواست امیرعبداللهیان یادآور شد که متأسفانه امکان ارسال کمک‌های بشردوستانه به مردم غزه بدون آتش‌بس وجود ندارد.

ماساچی به یمن نداده ایم

امیرعبداللهیان همچنین در گفت‌وگویی با رسانه امریکایی «ای‌سی‌بی» در پاسخ به پرسشی درباره دیدگاه ایران پیرامون تنش در دریای سرخ تأکید کرد، اگر فوراً نسل‌کشی علیه غزه متوقف شود، امنیت به دریای سرخ باز می‌گردد. وزیر امور خارجه افزود: ما اینک امنیت دریانوردی و کشتیرانی به خطر بیفتد هرگز استقبال نخواهیم کرد، زیرا تجارت و حمل و نقل نفت ایران از طریق دریا انجام می‌شود. ما ساز امنیت منطقه سود می‌بریم. وزیر امور خارجه در پاسخ به این ادعا که ایران تجهیزات نظامی در اختیار یمنی‌ها قرار می‌دهد، گفت:

حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه که به دعوت فرانسه به عنوان رئیس دوره‌ای شورای امنیت، به نیویورک سفر کرده است، در جریان این نشست و همچنین دیدارها و گفت‌وگوها با رسانه‌های بین‌المللی، مواضع جمهوری اسلامی ایران را پیرامون تحولات غزه تبیین و بر ضرورت توقف فوری جنگ و اجرای طرح آتش‌بس فوری تأکید کرد. وزیر امور خارجه پس از حضور در نشست شورای امنیت در سخنانی با اشاره به اینکه رژیم اشغالگر و آپارتاید اسرائیل هیچ خط قرمزی را در دلس‌کشی فلسطینی‌ها در غزه و کرانه باختری رعایت نمی‌کند، این نکته را یادآوری کرد که گرچه طبق ماده ۲۴ منشور سازمان ملل متحد، اعضای این سازمان «مسئولیت اصلی» اقدام سریع و مؤثر برای «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» را به شورای امنیت واگذار کرده‌اند اما عجز این نهاد در رسیدگی به جنایات رژیم اسرائیل و پاسخگو کردن آن غیرقابل پذیرش است. امیرعبداللهیان با اشاره به این نکته که ایالات متحده امریکا به عنوان حامی و شریک اصلی رژیم اسرائیل در جنایات آن، مانع از انجام مؤثر وظایف ذاتی این نهاد در توقف نسل‌کشی آشکار یک ملت و برقراری آتش‌بس در نوار غزه شده است، افزود: امریکا بارها نگرانی شدید خود را از سرریز شدن تنش در منطقه ابراز کرده، اما با این حال همچنان به حمایت همه‌جانبه خود از ماشین جنگی رژیم اسرائیل ادامه می‌دهد. ایالات متحده حتی حاکمیت یمن را زیر پا می‌گذارد و عملاً دامنه درگیری را گسترش می‌دهد، اقداماتی که باید مسئولیتی عواقب آن را بپذیرد. رئیس دستگاه دیپلماسی افزود: امریکا به جای دعوت از دیگران به خویشنداری، باید رژیم اسرائیلی را مجبور به توقف جنگ کند و خود را دامنی که رژیم صهیونیستی برای کساندنش به درگیری مستقیم پهن کرده، ربهای یابد.

درخواست از کوترش

امیرعبداللهیان در دومین روز حضور خود در نیویورک، با آنتونیو گوترش هم دیدار کرد.

شاعر پرافتخار اهل مارتینیک، امه سزر، را تکرار کنیم: «بله، بررسی دقیق و بالینی اقدامات و ایدئولوژی هیتلر و هیتلریسم ارزش دارد و ما باید به بورژوازی بسیار برجسته، بسیار انسان‌گرا و بسیار مسیحی قرن بیستم نشان دهیم که ندانسته ویژگی‌هایی مشابه هیتلر را در درون خود دارد، گویی هیتلر در درون آنها ساکن است و به‌عنوان نوعی شیطان درونی عمل می‌کند. این افراد از هیتلر انتقاد می‌کنند درحالی‌که دارای ویژگی‌های مشابهی هستند و همین نشان‌دهنده تناقض آنهاست. آنچه این انسان بورژوا نمی‌تواند هیتلر را به‌خاطر آن ببخشد جنایت، به‌خود خود نیست، جنایت علیه بشریت و تحقیر انسان نیست، بلکه جنایت علیه انسان سفیدپوست، تحقیر انسان سفید است و واقفیت این است که هیتلر رویه‌های استعماری اروپا را که تا آن زمان منحصراً برای (مردم عرب، هند و آفریقا) محفوظ بوده، به‌کاربرده است.»

فلسطین امروز امتداد جنایات استعماری است که سزر در این نقل قول به آن اشاره می‌کند. به نظر می‌رسد هابرماس ناآگاه است که حمایت او از کشتار فلسطینیان کاملاً با آنچه اجدادش در نامیبیا در جریان نسل‌کشی در هررو و ناما انجام دادند مطابقت دارد. فیلسوفان آلمانی سزر در لاک خود فرورنده‌اند و خود را در توهمات اروپایی فرورده‌اند و فکر می‌کنند که جهان آنها را آن‌طور که هستند نمی‌بیند. درنهایت، به نظر من، هابرماس هیچ چیز تعجب‌آور یا متناقضی نگفته یا نکرده است. کاملاً برعکس او کاملاً با قبیله‌گرایی درمان‌ناپذیر شجره فلسفی خود، که به شکل کاذب یک صورت‌بندی فراگیر و همه‌شمول به خود گرفته بود، هم‌ساز بود است.

جهان امروز از آن همه‌شمولی کاذب آگاه است. فیلسوفانی مانند آلنتین-ایو مودیمبه در جمهوری دموکراتیک کنگو، والتر مینتولو یا انریکه دوسل در آرژانتین، یا کوچین کاراتانی در ژاپن نسبت به هابرماس و امثال او ادعاهای مشروع‌تری نسبت به همه‌شمولی دارند.

به نظر من، ورشکستگی اخلاقی بیابانه هابرماس در مورد فلسفه، نقطه عطفی در رابطه استعماری بین فلسفه اروپا و بقیه جهان است. جهان از خواب کاذب فلسفه قومی اروپایی بیدار شده است. امروز، ما این راهی را مدیون رنج جهانی‌مدانی مانند فلسطینی‌ها هستیم که قهرمانی‌ها و فداکاری‌های طولانی و تاریخی آنها سرانجام بربریت عریان در بنیان «تمدن غرب» را آشکار کرده است.

واقعیت سیاسی نیست بلکه همچنین مربوط به جهان خیالی اخلاقی و فلسفی غرب است.

هیچ‌یک از ما که خارج از حوزه تخیل اخلاقی اروپایی قرار داریم در جهان بینی فلسفی اروپاییان به رسمیت شناخته نمی‌شویم. اعراب، ایرانیان و مسلمانان؛ یا مردم آسیا، آفریقا و امریکای لاتین؛ ما هیچ واقعیت هستی‌شناختی برای فیلسوفان اروپایی نداریم، مگر به‌عنوان یک تهدید متفاوت‌ترکی که باید بر آن غلبه و خاموش‌اش کرد.

از امانوئل کانت و گوتگر ویلهلم فردریش هگل شروع می‌کنیم و با امانوئل لویناس و اسلاوی ژیزک ادامه می‌دهیم، ما چیزی قابل شناختی هستیم که مستشرقان وظیفه رمزگشایی آنها را بر عهده داشتند. به‌این ترتیب، کشتار ده‌ها هزار نفر از ما توسط اسرائیل یا امریکا و متحدان اروپایی‌اش، لحظه‌ای درنگ و تأمل در ذهن فیلسوفان اروپایی ایجاد نمی‌کند.

مخاطبان اروپایی هم‌قبیله

اگر شک دارید، فقط نگاهی به فیلسوف برجسته اروپایی یورگن هابرماس و چند نفر از همکارانش ببیند، که در اقدامی حیرت‌انگیز و با توحشی سنگدلانه، از کشتار فلسطینی‌ها توسط اسرائیل حمایت کردند. پرسش اکنون دیگر این نیست که ما در مورد هابرماس که اکنون ۹۴ ساله است به‌عنوان یک انسان، چه فکری می‌کنیم. پرسش این است که ما درباره او به‌عنوان یک دانشمند علوم اجتماعی، فیلسوف و متفکر انتقادی چه فکری می‌کنیم. آیا دیدگاه‌های هابرماس تأثیر معناداری بر جهان گذاشته یا دارند؟

جهان پرسش‌های مشابهی را درباره یکی دیگر از فیلسوفان بزرگ آلمانی، مارتین هایدگر، با توجه به وابستگی‌های منموم او به نازیسم مطرح کرده است. به نظر من، اکنون باید چنین سؤالاتی را در مورد صهیونیسم تند هابرماس و پیام‌های مهمی که برای چگونگی درک کل مجموعه آثار فلسفی او داشته باشد، بررسییم.

اگر هابرماس ذره‌ای فضا در تخیل اخلاقی خود برای افرادی مانند فلسطینی‌ها قائل نیست، آیا دلایلی داریم که کل پروژه فلسفی او را به هر طریقی با بقیه بشریت – فراتر از مخاطبان اروپایی هم‌قبیله او، مرتبط بدانیم؟

آصف بیات، جامعه‌شناس در نامه‌ای سرگشاده به هابرماس گفت که سخنان او در مورد وضعیت غزه با عقایدش در تناقض است». با تمام احترامی که برای



از امانوئل کانت و گوتگر ویلهلم فردریش هگل شروع می‌کنیم و با امانوئل لویناس و اسلاوی ژیزک ادامه می‌دهیم، ما چیزی قابل شناختی هستیم که مستشرقان وظیفه رمزگشایی آنها را بر عهده داشتند. به‌این ترتیب، کشتار ده‌ها هزار نفر از ما توسط اسرائیل یا امریکا و متحدان اروپایی‌اش، لحظه‌ای درنگ و تأمل در ذهن فیلسوفان اروپایی ایجاد نمی‌کند.

همواره رنج «دیگری» اهمیت ناچیزی داشته است

ترجمه

حمید دباشی / میدل ایست‌آی

ترجمه: آزاده شمبانی / کانال تلگرامی یک حرف از هزاران

حمید دباشی، استاد ادبیات تطبیقی و مطالعات ایرانی دانشگاه کلمبیا در شهر نیویورک، در مقاله‌ای که در میدل ایست‌آی منتشر شده، سناریو بمباران بخش‌های پرجمعیت تل‌آویو را از سوی ایران و متحدانش مطرح کرده و می‌پرسد: ایالات متحده، بریتانیا، کانادا، استرالیا، اتحادیه اروپا و بالاحض آلمان در عرض ۲۴ ساعت پس از وقوع این سناریوی خیالی، چه می‌کردند؟ او در پاسخ می‌گوید: برای اوباشان جنگی ایالات متحده، اروپا، استرالیا و کانادا که تماماً حامیان اسرائیل هستند، ما مردمان بی‌پناه جهان، درست مانند فلسطینیان، به حساب نمی‌آئیم و به رسمیت شناخته نمی‌شویم. این تنها یک واقعیت سیاسی نیست، بلکه مرتبط به فرضیات اخلاقی و جهان فلسفی آن چیزی است که نام «غرب» بر خود نهاده است. ترجمه این مقاله را در ادامه می‌خوانید:

واکنش‌های غرب به حمله ایران علیه اراضی اشغالی

تصور کنید ایران، سوریه، لبنان یا ترکیه – یا حمایت کامل تسلیحاتی و دیپلماتیک روسیه و چین – اراده و امکانات لازم برای بمباران تل‌آویو به مدت سه ماه، به‌صورت شبانه‌روزی، کشتار ده‌ها هزار اسرائیلی و معلولیت افراد بی‌شمار

و بی‌خانمان شدن میلیون‌ها نفر و تبدیل شهر به تلی از آوار غیر قابل‌سکونت، مانند غزه امروز را داشته باشند. تنها برای چند ثانیه تصور کنید: ایران و متحدانش تصعداً بخش‌های پر جمعیت تل‌آویو، بیمارستان‌ها، کنیسه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها – یا درواقع هر مکان پرجمعیتی – را



عکس: AP